

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ابراهیم علوش
برگردان: احمد مزارعی
۰۶ می ۲۰۲۳

مثلث "ایران، آذربایجان، اسرائیل": امکان بیطرفی وجود ندارد



وجود مشکل اصلی و اختلافات در اینست که آذربایجان فعلی بخشی از قومیت اصیل ایرانی است و از نظر تاریخی آذربایجان از زمان مادها در قرن نهم قبل از میلاد تا زمان فتوحات اسلامی در قرن هفتم میلادی تحت سلطه ایران باقی بوده است

هرآنکه که موضوع رابطه یکی از ایندو در رابطه با رژیم صهیونیستی باشد امکان بیطرفی وجود ندارد، اما اوج گیری اختلافات اخیر میان دو همسایه ایران و آذربایجان در رابطه با رژیم صهیونیستی از نظر نظامی، امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک، میرود تا روابط را بیشتر در هم پیچیده کرده و با ایجاد منابعی از عناصر منفجر کننده، رابطه آذربایجان نسبت به ایران را تبدیل به اکرایی کنند از نوعی که در مرزهای روسیه منفجر گردید، و در ادامه حتی میتواند به تجزیه ایران منجر شود، هم اکنون مجموعه کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا می کوشند با کمک ترکیه و رژیم صهیونیستی این طرح را بطور جدی به اجرا درآورد.

داستان با اسم شروع شد، زیرا از ابتدای اعلان استقلال در سال ۱۹۱۸، جمهوری آذربایجان دموکراتیک با کمک ترکیه تشکیل گردید که خود این آغاز با این نام تهدیدی ریشه ای برای ایران به حساب میاد.

این جمهوری بر خرابه های روسیه تزاری در مقابله با حکومت موقت روسیه تاسیس گردید که با سقوط نیکلای دوم در دوم مارس سال ۱۹۱۷، به وقوع پیوست و با دست ائتلاف گسترده ای از احزاب گوناگون، یعنی کادتها، منشویکها، بلشویکها، سوسیالیستهای انقلابی و جنبشهای استقلال طلبانه ملی در مناطق مختلف روسیه مستقر گردید.

باید گفت که انتخاب اسم آذربایجان برای جمهوری تازه تولد یافته ، تصادفی انتخاب نشده بلکه «حزب مساوات» که دارای اندیشه های پان ترکی بود بر این اسم اصرار داشت و هم اینکه چشم بر مناطق آذربایجان جنوبی آنسوی رودخانه ارس داشت.

قابل توجه اینکه نام آذربایجان از قرن‌ها پیش شامل مناطق شمال و غرب ایران میشد که شامل آذربایجان شرقی و غربی ، اردبیل و زنجان نیز می گردد که از نظر مساحت و ساکنان بزرگتر و بیشتر از شمال آذربایجان است که به ناحق نام آذربایجان را برای خود مصادره کرده است

جمعیت آذربایجان شمالی ده میلیون ، در حالی که جمعیت آذری های ایران ، ضمن استان وخارج استان بیست میلیون و یا ۲۳٪ جمعیت ایران است که ۲٪ ترکمنها نیز اضافه میشود

جمهوری شمال ارس که امروز خود را «آذربایجان» می نامند ، این نام را در سال ۱۹۱۸ ، بر خود گذاشت بر این اساس که در ادامه وبر اساس نظریات پان ترکیستی ، آذربایجان ایران را نیز به خود ملحق کند، این ادعاها برای روشنفکران ایرانی روشن بود و مورد اعتراض شدید آنها قرار گرفت که چرا نام آذربایجان را بر خود گذاشته اند

در ادامه بعد از اعلام «جمهوری آذربایجان دموکراتیک» و دخالت مستقیم نظامی ترکیه در قفقاز بحران آذری – ارمنی به ظهور رسید و به سرعت به درگیریهای نظامی و جنگ و کشتارهای داخلی منجر گردید، اینها مقدمات بحران آذری ارمنی بود که امروز شاهد آن هستیم، این بحران ادامه داشت تا زمانی که بلشویکها در آذربایجان به قدرت رسیده و آذربایجان در سال ۱۹۲۰، جزء یکی از جمهوریهای شوروی سوسیالیستی شد و منطقه ناگورنو قره باغ که ارمنی نشین و متعلق به ارمنستان بود نیز بخشی از آذربایجان گردید، علیرغم اعتراضات کمونیستهای ارمنی مبنی بر منظم کردن بخشی از خاک خودشان به آذربایجان در اندوره ، اما بلشویکها برای رضایت پان ترکیستهای آذری به این کار اقدام نمودند، مثالی که در مورد منظم کردن جزیره قرم به اکراین نیز اتفاق افتاد، (تحت این عنوان که «همه شوروی و سوسیالیستی هستند»)، لذا مهم نیست این بحران تا زمان فروپاشی شوروی همچون آتش زیر خاکستر باقی ماند تا زمانی که اولین جنگ ناگورنو قره باغ در اوایل سالهای نود میلادی شعله ور گردید و ایران در این جنگ درکنار ارمنستان قرار گرفت و محاصره اقتصادی ترکیه و آذربایجان علیه ارمنستان شکسته شد

هنگامی که آذربایجان استقلال خود را از شوروی گرفت ، ایران به فوریت استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت ، قراردادهای متعددی را با وی امضا نمود و پیشنهادهای مفید و دوستانه ای را برای ادامه رابطه با آذربایجان ارائه داد . اما به زودی روشن گردید که باکو متمایل به ترکیه میباشد و شعارهایی از قبیل «آذربایجان بزرگ»، «وحدت آذربایجان» ، «خود مختاری برای آذری های داخل» و... به کرات در تبلیغات آذربایجان و کتب آموزشی مطرح شد، همزمان تبلیغات و شیوه های ضدایرانی گسترش یافت و در ادامه آذربایجان را به آغوش اسرائیل سوق داد در نتیجه باعث شد تا ایران نیز روابط استراتژیک خود را با ارمنستان تحکیم ببخشد.

آذری ویا ترک؟

ابتدا باید گفت که در مورد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش امری قانونی است و اگر مللی ویا قومی به مرحله داشتن : دولت – ملت مستقل ، رسیده باشند حق آنها است که دولت مستقل خود را تشکیل دهند آنچنانکه در دنیای معاصر بسیاری دولتها به وجود آمده و دولتهای مستقل و ملی خود را تشکیل داده اند بدون اینکه این دولت در ضدیت با مرزها و منافع سایرین باشد. اما داشتن این حق را نباید بدون وجود دو عامل اساسی در نظر گرفت: اولاً : حدود تاثیر این دولت در درگیریهای جهان معاصر ، میان کشورها و جنبشهای مستقل از یک سو، و همچنین

منظومه تسلط و هیمنه تجاوزکارانه غرب، از طرفی دیگر. تأثیر این دولت جدید در حق ملل ساکن کره ارض بطور عموم در مسیر رهائی از سلطه و هیمنه آن مجموعه.

دوم: حدود تأثیر این دولت در نقشه و نفوذ محلی و معادلاتش در کل منطقه ما، و همچنین، الف - روبرویی با رژیم اشغالگر صهیونیستی اسرائیل، ب - مقابله با نفوذ توسعه طلبانه ترکیه در منطقه از این نظر ضروری میباشد که بطور دایم سوال کنیم: استقلال چه کسی؟ بر ضد چه کسی؟ و با کمک چه کسانی؟ و نیز واجب است که قبل از هر چیز این سوال را مطرح کنیم: آیا در اینجا ملت آذربایجانی جداگانه وجود دارد؟ و حق دارد که دولتی ویژه خود تشکیل دهد و یا اینکه ما با یک برنامه تجزیه طلبانه روبرو هستیم که از طرف صهیونیسم حمایت میشود؟

وجود مشکل اصلی اختلافات در اینست که آذربایجان فعلی بخشی از قومیت اصیل ایرانی است و از نظر تاریخی آذربایجان از زمان مادها در قرن نهم قبل از میلاد و تا زمان فتوحات اسلامی در قرن هفتم میلادی تحت سلطه ایران باقی بوده است. آذری ها در طول این دوره به زبان آذری قدیم که یکی از لهجه های قدیم ایران بوده است صحبت میکردند و اکنون اثری از آن باقی نمانده است.

آذربایجان در دوره خلفای عباسی و اموی در زیر حاکمیت وکلای ایرانی آنها اداره میشد و هنگامیکه ضعف بر خلافت غلبه کرد، در این مرحله ترکهای سلجوقی در اوایل قرن ۱۱ میلادی از طریق آذربایجان سراسر منطقه شمالی رودخانه ارس را اشغال کردند و با اهالی ادغام شدند و منطقه را ترکی و زبان ترکی نیز رواج دادند و این علیرغم این بود که اهالی آذربایجان اصلا ایرانی بودند و ثابت میکند که اصل قومیت شرط هویت قومی نیست.

اما تأثیر ایرانیگری علیرغم حکم سلجوقی در دوره بعدی همچنان پابرجا ماند زیرا آنچه که طی قرنهای به وجود آمده است را نمیتوان با نیش قلم و ضربت شمشیر از میان برداشت. تجلی این وضعیت رامیتوان در شکوفائی ادبیات فارسی حتی در تحت حکم سلجوقیان در آذربایجان مشاهده کرد و حتی در ظهور شخصیتهای برجسته ای ایرانی که در شکل وکیل در آذربایجان مدیریت را در دست گرفتند، و در ادامه، دولت تیموری در قرن چهاردهم با فرهنگ فارسی در سمر قند تشکیل گردید و سپس با آمدن صفویه در اوایل قرن شانزدهم میلادی، آذربایجان با بقیه مردم ایران شیعہ شدند. در اوایل قرن شانزدهم آذربایجان بطور رسمی به ایران ملحق شد، اما در جنگی که در سال ۱۸۲۸، میان ایران و روسیه اتفاق افتاد، مجدداً ایران مناطقی را در قفقاز از دست داد که شمال آذربایجان، نیز جزئی از آن بود که به تصرف امپراتوری روسیه قیصری درآمد، از آن تاریخ تا زمان اعلان استقلال در سال ۱۹۱۸، برای اولین بار تحت نام آذربایجان و بر اساس برنامه پان ترکیستی که مختص آذربایجان هم نبود مرحله تازه ای را آغاز کرد. بر اساس این پیش زمینه تاریخی، فرهنگی، و قومی شمال آذربایجان، ایران اینگونه میبیند که که بازگرداندن شمال آذربایجان به آذربایجان ایران اولی تر است هرگاه مسئله اتحاد آذربایجان در میان باشد، و آذربایجان شمالی اقلیمی میباشد که نیروهای بیگانه و یا روسیه تزاری از آذربایجان مادر جدا کرده اند.

در مقابل ترکیه و آذربایجان، همه آذربایجان را بخشی از جهان ترک و همچون سایر کشورهای ترک زبان آسیای میانه میدانند. این ادعا، نه فقط برای ایران، بلکه برای روسیه نیز مشکل ساز است، اشاره به این موضوع بسیار مهم است که تعدادی از کشورهای آسیائی شوروی سوسیالیستی سابق، اکنون عضو در «رابطه کشورهای مستقل» میباشد که در حال حاضر بوسیله روسیه مدیریت میشوند، که در حال حاضر یکی پس از دیگری به عضویت «سازمان کشورهای ترک» (مجلس ترکی سابق) در میآیند که در سال ۲۰۰۹، رسماً در آذربایجان تاسیس گردید، این کشورها عبارتند از: آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، و اوزبکستان.

سال ۲۰۲۱، ترکمنستان به عنوان ناظر در کشورهای «رابطه کشورهای مستقل» پذیرفته شد، اما تاجیکستان که دولتی فارسی و ترک زبان نیست. ارمنستان نیز عضو (رابطه کشورهای مستقل) میباشد که عضو آنها نمیتواند باشد. اما در مورد به خدمت گرفتن جریان پان ترکسیم علیه برنامه «اوراسیا» از یکطرف و از طرفی دیگر در ضدیت با «جاده ابریشم» نیز در گزارش دیگری توضیح داده خواهد شد.

اما گذشته از موضوع بکارگیری سیاسی، مسأله «وحدت اذربایجان» یک مشکل کاملاً اساسی میباشد: آیا اگر کسانی در ایران (و یا غیر ایران) ترک شدند حق دارند درخواست «حق جدائی و تعیین سرنوشت» کنند؟ و با چه صفتی؟ اذریها و یا ترکها؟ و به مجرد اینکه از نظر زبانی ترک شدند، دیگر ایرانی نیستند؟ چون ترک شده اند؟ در اینجا بحث ما حق اذریها در مورد تعیین سرنوشت نیست، بلکه در اینجا سخن از توسعه طلبی پان ترکسیم در آسیای میانه و همچنین از تغییرات بسیار خطرناکی است که در جغرافیای سیاسی جهان اسلام باعث میشود (برای مثال در سوریه، عراق، لیبی و...) از طرفی ریشه های این درگیری به چند قرن پیش میان دو امپراتوری ترکی - فارسی بازمیگردد، و علت اصلی که صفویها مذهب شیعه را در ایران رسمیت بخشیدند برای مقابله با توسعه طلبی عثمانیها بود. شاید بتوان گفت که خطای صفویها در انتخاب شیعه این بود که فکر میکردند با تشیع اذریها میتوانند از توسعه طلبی عثمانیها جلوگیری کنند، همین خطارا روسها نیز مرتکب شدند، هنگامی که فکر کردند که سوسیالیسم میتواند آنها را از خطر توسعه طلبی پان ترکسیم حفظ کند، اما اینطور نشد بطوریکه ادبیات پان ترکسیم وارد کتب درسی شده و در میان روشنفکران اذری رسوخ پیدا کرد، تمایل به پان ترکسیم امروز در باکو از خلا سر برنیاورده است. در اینجا به اختصار از برنامه تجزیه ایران صحبت میکنیم که با استفاده از ابزارهای نرم افزاری ترکیه عمل میکند و ترکیه و دیگران از این سیاست نرم افزاری برای تجزیه ایران با همکاری یکدیگر استفاده میکنند که البته باید گفت دستهای رژیم اسرائیل نیز در این برنامه ها شدیداً دخالت دارد، همچنانکه اشکار گردیده است که دخالت اسرائیل در اذربایجان نیز بسیار گسترده میباشد و در ثانی اذریهای ایران بعد از فارسها دومین قوم به حساب میآیند، این یک معضل بزرگ است بویژه که عنوانش هم «حقوق ضایع شده ترکها در ایران است.»

ضروری است که گفته شود که موفقیت در این سیاست میتواند بر افغانستان و لبنان تأثیر گذاشته و ایران را از قضیه فلسطین دور کند و به جنگی داخلی اذری - فارسی تبدیل شده، شبیه آنچه که هم اکنون در قلب کشورهای اسلواکی اروپا میان اکراین که مورد حمایت ناتو میباشد از یک طرف و روسیه از طرفی دیگر جریان دارد. از این نظر ضرورت دارد که متوجه خطر تبلیغاتی پان ترکیستی از مرزهای سنکیانگ چین تا سوریه بویژه ایران باشیم (هم اکنون تبلیغات زهر آگینی وجود دارد که مدعی است تعداد ترکمنهای سوریه سه میلیون نفر است)

در مورد رابطه اذربایجان و رژیم صهیونیستی (۱)

نفوذ عمیق صهیونیسم در اذربایجان بعد از نفوذ ترکیه، یکی از خطرناکترین ظاهرها تحولات جاری در منطقه قفقاز است. اذربایجان بعد از استقلال به فوریت بسوی تحکیم روابط ویژه ای با ترکیه حرکت کرده و در سایه حزب عدالت و توسعه این رابطه عمق بیشتری پیدا کرد، اذربایجان به سرعت روابط خود را با پاکستان و آمریکا نیز تقویت نموده و در ادامه به عادی سازی رابطه خود با اسرائیل ادامه داد که به مرحله «هم پیمانی طبیعی» ارتقا پیدا کرد و این خطرناکترین پدیده استراتژیک برای منطقه قفقاز بود زیرا بحث پیوستن به پیمان ناتو و اتحادیه اروپا مطرح گردید در حالیکه اذربایجان نه یک کشور اروپائی و نه در مجموعه اتلانتیک میگنجد.

اسرائیل بعد از ترکیه دومین کشوری بود که ازبایجان را در سال ۱۹۹۱، به رسمیت شناخت و بر این اساس بنا به سایت رسمی وزارت خارجه اسرائیل در تاریخ ۷/۴/۹۹۲ روابط دیپلماتیک میان آنها برقرار گردید در جنگ اول قره باغ اسرائیل از نظر مالی و تسلیحاتی به کمک ازبایجان شتافت ، و در سال ۲۰۰۹، ویکی لیکس، سندی را از طرف سفارت امریکا در باکو منتشر نمود که علیف دران اظهار داشته است که رابطه اسرائیل و ازبایجان هما نند کوه یخی میباشد که تنها ۱۰٪ ان بیرون است.

باید گفت که ایران و ازبایجان در سال ۲۰۰۵، پیمان عدم تجاوز امضا کرده اند و از این نظر ازبایجان اجازه نمیدهد اسرائیل از خاک این کشور به ایران حمله کند ، ولی اسرائیل میتواند از «تسهیلات لجستیکی» و یا امکان سوختگیری و یا تاسیس مراکز جاسوسی و پایگاههای تحقیقاتی و نجات استفاده کند»

در باکو پایتخت ازبایجان ۳۰ هزار یهودی زندگی میکند ، در خلال مسافرت دوم بنجا مین نتن یاهو، به باکو بر اساس اطلاعیه ریاست جمهوری ازبایجان در تاریخ ۱۳/۱۲/۲۰۱۶- نتنیا هو و علیف به نقش مهم یهودیان ازبایجان در تقویت اقتصاد و «تحکیم روابط دوجانبه» ازبایجان اشاره کرده و انرا ستودند

سال ۲۰۱۰، الهام علیف تصمیمی قانونی اتخاذ کرد که بموجب ان شهروندان همه کشورهای جهان هنگام مسافرت به ازبایجان باید قبلا ویزا بگیرند ، تنها شهروندان ترکیه و اسرائیل از این قانون مستثنی بوده و نیاز به گرفتن ویزا ندارند روابط ازبایجان و اسرائیل از سالهای نود میلادی وضعیتی استراتژیک به خود گرفت که شامل ابعادی بازرگانی ، نظامی ، امنیتی ، فرهنگی و آموزشی میشود. پس از اولین مسافرت نتنیا هو در سال ۱۹۹۷، اسرائیل برنامه مسلح کردن ازبایجان را در دستور کار خود قرارداد

اسرائیل قبل و بعد از تاریخ فوق تامین کننده اصلی تسلیحات ازبایجان بوده است . در خلال بازدید رئیس جمهور سابق اسرائیل از ازبایجان در سال ۲۰۰۹، مطبوعات باکو خبر دادند که اسرائیل یک مرکز تولید پهپاد در باکو تاسیس نموده است ، و در سال ۲۰۱۲، دو طرف اسرائیل و ازبایجان قراردادی را امضا کردند که بموجب ان ازبایجان ۱/۶ میلیارد دلار هواپیما ، پهپاد و سیستم ضد هوایی ، از اسرائیل خریداری کرده است.

سال ۲۰۱۶، مطبوعات گزارش دادند که اسرائیل حدود پنج میلیارد دلار اسلحه به ازبایجان فروخته است و این بر اساس موافقتنامه ای بود که در خلال بازدید نتنیا هو از ازبایجان صورت گرفته بود. و در سال ۲۰۲۱، نیز مطبوعات خبر دادند که اسرائیل دو میلیارد دیگر اسلحه اضافی به ازبایجان میفروشد و این به معنی این بود که اسرائیل ازبایجان را در مقابله با ایران و همچنین ارمنستان مسلح میکند.

در جنگ دوم قره باغ سال، ۲۰۲۰، تسلیحات ترکیه و اسرائیل و پهپادها، نقش اول را در پیروزی بر ارمنستان ایفا کردند از نظر اقتصادی ، شرکتهای اسرائیلی از سالهای نود میلادی بخشهای گوناگون اقتصاد ازبایجان را همچون الکترونیک و ارتباطات در کنترل خود گرفتند. برای مثال تسلط شرکت «bezq» بر بخش ارتباطات ازبایجان که تا سال ۲۰۱۸، ادامه داشت و در این سال شرکت مذکور سهم خود را فروخت.

مسئله نفت: قبل از شروع استخراج گاز سرقت شده فلسطینیها ، اسرائیل ۴۰٪، از گاز خود را از ازبایجان وارد میکرد ، سال ۲۰۰۷، سفیر اسرائیل در باکو، ارثر لینک افتتاح خط نفت باکو – تفلیس – سیحون را اعلام داشت، این خط از ازبایجان شروع و با گذر از گرجستان به بندر ازنه در ترکیه وصل میشود که گاز ازبایجان را به اسرائیل به اسانی منتقل میکرد

در اول اکتبر گذشته ایران به یک مانور نظامی در مرز ازبایجان دست زد که متقابلا ازبایجان نیز به یک مانور گسترده تر با شرکت ترکیه در مرز ایران اقدام نمود که موجب بروز بحران در مرزها گردید.

اقدامات فوق تعجب اور نبود ، در ۱۱ نوامبر گذشته علیف در کنگره در کنفرانس کشورهای ترک زبان در سمر قند اظهارداشت : وی «همه کوشش خودرا بکار خواهد گرفت تا از حقوق اذریها ،ازادی وامنیت انها ودر ضمن انها اذریهای ساکن ایران ، دفاع خواهد کرد»، وی سپس اضافه کرد:« وی مصمم است که بر باقی ماندن انها با تمایلات اذری دفاع وتضمین نماید، واینکه انها نباید رابطه خودرا با وطن تاریخی خود قطع نمایند». «انها بخشی از ملت ما هستند»

باید گفت که ترکیه در این توطئه فاسد دست در دست با رژیم اسرائیل همکاری میکند . اگر چه عده ای میکوشند نورخورشید را بوسیله غربال پنهان کنند.

مقاله ای از مترجم در این مورد:احمد مزارعی، درسایت زیر بخوانید:

مجله هفته – مجله سیاست بین المللی – سال هفدهم

۱- اگر می شد آذربایجان را با کشورهای همسایه خود مبادله کنیم، یک لحظه درنگ نمی کردیم

جمعه پنجم ماه می ۲۰۲۳